**جلسه 79**

**سه‌‌‌شنبه - 17/12/۹۵**

**أعوذ باللّه من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم الحمد للّه ربّ العالمین و صلّی اللّه علی سیّدنا محمّد و آله الطاهرین سیّما بقیّة اللّه في الأرضین و اللعن علی أعدائهم أجمعین.**

**تفاوت شب‌های مهتابی با شب‌های عادی**

بحث راجع به طلوع فجر در این جهت واقع می‌‌شود که در لیالی مقمره بخاطر غلبه نور ماه سفیدی صبح دیده نمی‌شود مگر بعد از بیست دقیقه حدودا از اذان صبح کل فضا روشن می‌‌شود که مشخص می‌‌شود که این روشنایی صبح است که غلبه کرده است بر نور ماه. یعنی عملا در لیالی مقمره ما خیط ابیضی را هیچوقت نمی‌بینیم نه اول اذان نه بیست دقیقه بعد. بیست دقیقه بعد دیگر خیط ابیضی نیست. مگر این‌که بگوییم غلبه روشنایی فضا در کل مشرق بر نور ماه نامش بشود خیط ابیض و الا سفیده صبح اصلا که در شب‌های دیگر دیده می‌‌شد در شب‌های مهتاب با تاخیر هم دیده نمی‌شود.

**محقق همدانی، مرحوم امام: باید در شب‌های مهتابی نماز صبح را تاخیر انداخت**

**دلیل اول: ظهور عناوین در فعلیت**

محقق همدانی فرموده است شب‌های مهتاب باید صبر کنیم تاخیر بیندازیم نماز صبح را. چرا؟ ایشان فرموده چون ما گفتیم در فقه که عناوین ظهور در فعلیت دارند. ایشان مثال می‌‌زنند می‌‌گویند ما در بحث تغیر آب به اوصاف نجس گفتیم، اگر شما رنگ سرخ پاکی را در آب بریزید آب مطلق است و لکن رنگ سرخی در این آب مطلق ریختید بعد مقداری خون نجس در این آب ریختید که اگر این رنگ سرخ را نیم ساعت قبل در این آب نریخته بودید این خون رنگ این آب را تغییر می‌‌داد و او را نجس می‌‌کرد اما دیگر این آب نجس نمی‌شود چون صدق نمی‌کند الدم النجس غیّر لونه نخیر رنگ این آب سرخ شد با آن صبغ احمر و عرفا این خون در اشتداد حمره ما مؤثر نبوده و لذا این آب پاک است. یا شما در یک آب بیایید میته طاهره‌ای بیندازید، ‌چند تا ماهی متعفن بیندازید در آب، ‌یک بوی متعفنی این آب را بردارد بعد بروید یک گربه مرده‌ای بیندازید در این آب یک گربه مرده هم بیندازید در آن آب حوض بغلی. آب حوض بغلی بعد از مدتی بوی متعفن این گربه مرده را به خودش گرفت از آن آب باید اجتناب کنید ولی این ‌آب حوض اول ما احساس بوی متعفن جدیدی نمی‌کنیم. از دو ساعت قبل که ما ماهی‌های بد بوی متعفن را در این آب حوض اول انداختیم هر کس که می‌‌رسید دست به بینی‌اش می‌‌گرفت و می‌‌گفت این چه بوی متعفنی می‌‌دهد. الان هم همین را می‌‌گوید. فرق نکرده است. پس صدق نمی‌کند که میته نجسه تغییر داد بوی این آب را. آب اول پاک است با این‌که هیچ فرقی با آب دوم نمی‌کند در اقتضاء این‌که این میته نجسه که در آب دوم انداختیم در آب اول هم انداختیم اگر این آب اول بوی متعفن ماهی مرده را نداشت که میته طاهره است مطمئنا بوی بد این میته نجسه را به خود می‌‌گرفت و لکن به این نمی‌گویند تغیر فعلی. موضوع منجسیت آب تغیر فعلی بو یا رنگ یا مزه آن است به اوصاف نجس. و این در آب حوض اول محقق نشد.

اینجا هم همین‌طور است. اگر شب مهتاب نبود یا همین شب مهتاب خسوف شد، ‌ماه‌گرفتگی شد، سفیدی صبح متشکل می‌‌شد در افق اما چه کنیم این ماه نورش غلبه کرده است و مانع از سپیده صبح هست مگر بعد از بیست دقیقه. و لذا طلوع فجر تاخیر پیدا می‌‌کند.

**اشکال: "تبین" ظهور در طریقیت محضه دارد**

ایشان فرموده است نگویید که آقا! تبین ظهور در طریقیت محضه دارد، ‌مثل علم و لذا در هوای ابری طبق محاسبات نجومی مطمئن می‌‌شوید که سپیده صبح پشت ابر هست، مشکل نداریم نماز می‌‌خوانیم با این‌که تبین خیط ابیض نکردیم. اینجا هم پشت این مهتاب سپیده صبح هست ما این را می‌‌دانیم، تبین ظهور در موضوعیت ندارد، ‌طریقیت محضه دارد که ما از راه دیگر طریق داریم برای احراز سفیده صبح.

**پاسخ: نور ماه در شب‌های مهتابی مانع تشکل خیط ابیض است نه تبین آن**

محقق همدانی این فقیه بزرگ گفته است که قیاس، مع الفارق است. در لیالی مقمره اصلا نور ماه جلوی تشکل خیط ابیض را می‌‌گیرد نه این‌که جلوی تبین آن را بگیرد. مثل ابر نیست. شما در روز آیا عرفی است بگویید ستاره نور دارد یا سیاره نور دارد، ماه نور دارد؟ ماه در روز عرفا نور ندارد. وقتی که خورشید هست غلبه نور خورشید، ‌غلبه ضوء خورشید مستهلک می‌‌کند نور ستاره‌ها و نور ماه را که چه بسا در روز هم وقتی خورشید آرام آرام پنهان می‌‌شود می‌‌گویند حتی اذا رأی کوکبا یا رأیت ضوء النجم، ‌رأیت ضوء القمر. قبلا اصلا عرفا ضوء تشکیل نشده بود عرفا برای ستاره یا برای ماه در روز. شما اگر در روز یا در شب یک نورافکن قوی روشن کنید بعد یک لامپ ضعیفی هم روشن کنید که اصلا وجودش کالعدم است، بعد می‌‌گویید من نور این لامپ را می‌‌بینم؟ اصلا این لامپ در جایی نورش عرفا موجود می‌‌شود که اطراف تاریک باشد.

امام قدس سره فرموده کاملا متین است این مطالب.

آقای زنجانی هم تایید کردند؛‌ فرمودند این مطالب درست است.

و لذا اشکالی که آقای خوئی می‌‌کند به محقق همدانی که آقا! تبین ظهور در طریقیت محضه دارد، جواب می‌‌دهند می‌‌گویند ما هم قبول داریم تبین ظهور در طریقیت محضه دارد و لذا در جایی که ما بدانیم پشت ابر سپیدی صبح دمیده است نماز صبح می‌‌خوانیم. اما در شب‌های مهتاب این‌طور نیست. شب‌های مهتاب بخاطر غلبه نور ماه اصلا نور ضعیف خورشید که از شانزده درجه افق می‌‌خواهد جو مشرق را روشن کند، جو مشرق روشن هست با نور ماه. الضوء لایتضوء ثانیا. در شب‌های مهتاب افق شرقی روشن هست. تاریک را روشن می‌‌کنند؛ روشن را که نور ضعیف روشن نمی‌کند. بله، ضوء تقدیری که اگر نور مهتاب نبود یا همین شب‌های مهتاب خسوف شد، ماه‌گرفتگی شد، ‌بله، ‌آن وقت خورشید با آن نور ضعیفش از شانزده درجه منفی افق شرقی را روشن می‌‌کند به یک روشنایی ضعیف اما در شب‌های مهتاب وقتی ماه بالای سر است افق شرقی روشن است. با یک نور ضعیفی که نور خورشید می‌‌خواهد بر آن بتاباند او روشن‌تر نمی‌شود.

انصافا اشکال، قوی است.

**دلیل دوم: روایت علی بن مهزیار: تا قبل از تبین، نماز صحیح نیست**

امام قدس سره به روایات هم استدلال کردند. فرمودند که همین روایت علی بن مهزیار که در سندش سهل بن زیاد هست دلیل بر مدعای ما است. در روایت علی بن مهزیار سؤال می‌‌کند از لیالی مقمره، می‌‌گوید که کیف اصنع مع القمر و الفجر لایتبین معه حتی یحمرّ و یصبح و کیف اصنع مع الغیم فکتب بخطه علیه السلام الفجر هو الخیط الابیض المعترض فلاتصل فی سفر و لاحضر حتی تبینّه فان الله لم یجعل خلقه فی شبهة من هذا فقال کلوا و اشربوا حتی یتبین لکم الخیط الابیض من الخیط الاسود فالخیط الابیض هو المعترض الذی یحرم به الاکل و الشرب فی الصوم و کذلک هو الذی یوجب الصلاة.

امام فرمودند روایت واضح است که می‌‌خواهد بفرماید در لیالی مقمره باید تبین کنی خیط ابیض را.

**عند الشک استصحاب موضوعی و حکمی مقتضی تفصیل بین شب‌های مهتابی و غیر آن است**

بعد ایشان فرمودند حالا اگر کسی شک هم بکند مقتضای استصحاب موضوعی و حکمی این است که نمازش را تاخیر بیندازد. استصحاب موضوعی یعنی استصحاب موضوعی در شبهه مفهومیه. استصحاب عدم طلوع فجر. خود ایشان هم توجه دارند که این استصحاب در شبهه مفهومیه است و لذا فرمودند علی خدشة فیه. ولی استصحاب حکمی را خدشه نکردند، استصحاب عدم امر به نماز صبح تا بیست دقیقه بعد از اذان رسمی.

ما با این‌که این اشکال را قوی می‌‌دانیم، اشکال محقق همدانی و امام را قوی می‌‌دانیم و عملا هم احتیاط کردیم و می‌‌کنیم و لکن بعید نمی‌دانیم که فرمایش مشهور درست باشد. حالا این را عرض کنم: امام از محقق همدانی نقل می‌‌کنند و خودشان هم تایید می‌‌کنند که ظاهر مشهور این است که موافق با ما هستند یعنی موافق هستند که در لیالی مقمره باید صبر کرد. نه، مشهور عناوین کلی را گفتند، شما دارید تطبیق می‌‌کنید بر مبنای خودتان. پس مشهور در لیالی مقمره نظر خاصی ندادند. ولی مشهور معاصرین را عرض می‌‌کنم. مشهور کسانی که متعرض لیالی مقمره شدند این است که تفصیل نمی‌دهند بین لیالی مقمره و غیر آن مثل آقای خوئی و آقای تبریزی و آقای سیستانی و امثالهم. اولین کسی که ما دیدیم مطرح کرده محقق همدانی است. قبلا هم حدس ممکن بود بزنند که با وجود این نور شدید ماه سفیدی صبح که دیده نمی‌شود

 و این را هم عرض کردم که بعد از بیست دقیقه تازه آن سفیدی شبیه سفیدی روزهای دیگر را نمی‌بینند، روشنایی فضا را که بیشتر از ضوء قمر است متوجه می‌‌شوند و می‌‌گویند خب پس صبح شده. و لذا آقا اشکال می‌‌کند که خب خیط ابیض که هنگام اذان نبود به نظر محقق همدانی و امام بعد از بیست دقیقه هم که خیط ابیض نیست پس نماز نخوانیم.

خب این جوابش این است که اگر نور سفید را اعم بگیریم نه مجرد آن نوار، نوار سفید چرا، نور سفید در کل فضا پخش می‌‌شود منتها با تاخیر. علاوه بر این‌که خب بر فرض خیط ابیض نداشته باشیم مقتضای اصل عملی گفتند که تاخیر نماز است تا آن وقتی که یقین کنیم که صبح شده.

**اشکال: برای قادرین بر روزه، اصل برائت در روزه با اصل برائت در نماز تعارض می‌کنند**

البته ما قبول نداریم مقتضای اصل عملی این باشد ها!. ما می‌‌گوییم فی حد ذاته اصل برائت جاری می‌‌شود. مثل امام قائل نمی‌شویم که استصحاب عدم وجوب نماز صبح تا بیست دقیقه بعد از اذان صبح می‌‌گوید حق نداری نماز صبح بخوانی، ‌نخیر. برائت از اشتراط نماز صبح به این‌که حتما بیست دقیقه بعد از اذان صبح باشد جاری می‌‌کنیم، ‌رجائا نماز می‌‌خوانیم در این بیست دقیقه. معذر داریم. استصحاب عدم وجوب که ثابت نکرد تقید واجب را به بعد از بیست دقیقه از اذان صبح؛ اصل مثبت است. برائت جاری می‌‌کنیم از اشتراط نماز صبح به تاخیر بیست دقیقه‌ای در لیالی مقمره. ولی مشکل ما این است که معارضه می‌‌کند با برائت از وجوب امساک در صوم. برائت از وجوب امساک می‌‌گوید در این بیست دقیقه می‌‌توانی سحری بخوری. برائت از وقت نماز صبح هم می‌‌گوید می‌‌توانی در این بیست دقیقه نماز صبح بخوانی. این می‌‌شود مخالفت قطعیه علم اجمالی. بالاخره یا طلوع فجر موقع اذان رسمی است پس نباید سحری بخورم یا بیست دقیقه با تاخیر است پس نباید نماز بخوانم در این بیست دقیقه.

بله، این تعارض برای کسانی است که قادر بر صوم هستند. اما یک آقایی که از ابتداء زخم اثنی‌عشر داشته می‌‌گوید حالا فعلا که زخم اثنی‌عشر داریم روزه بگیریم نه تابستان نه زمستان، ما طرف علم اجمالی نیستیم. شما هر کدام طرف علم اجمالی بروید خودتان احتیاط کنید. حرف حسابی هم می‌‌زند. می‌‌گوید من مشکلم فقط نماز است. خب ماه رمضان هم چون کافر حربی می‌‌شویم سحری نخوریم بلند می‌‌شویم سحری می‌‌خوریم اما روزه نمی‌توانیم بگیریم، نماز صبح‌مان را هم می‌‌خواهیم سریع بخوانیم شماها که مبتلا هستید به صوم علم اجمالی دارید در این بیست دقیقه نه غذا بخورید نه نماز صبح بخوانید. اما بنده در این بیست دقیقه اصل برائت جاری می‌‌کنم از تقید نماز به تاخیر از این بیست دقیقه، نماز صبحم را می‌‌خوانم می‌‌روم استراحت می‌‌کنم. حرف منطقی هم می‌‌زند. اگر نوبت به اصل عملی برسد همین است.

**اشکال به دلیل دوم: احراز خیط ابیض در زمان فعلی مشکل نیست**

اما راجع به روایت سهل بن زیاد ما نفهمیدیم امام چه جوری فرمودند اظهر هست از بقیه روایات در مختار ایشان. امام فرمود لاتصل حتی تبینه، تا احراز نکنی خیط ابیض را نماز نخوان اما خیط ابیض چطور احراز می‌‌شود؟ آن زمان احرازش مشکل بود ولی الان مشکل نیست. آن زمان ساعت نداشتند نمی‌توانستند محاسبه کنند که قبل از شب‌های مهتاب ساعت مثلا پنج و ربع اذان بوده حالا هم دیگه همان ساعت پنج و ربع است دیگه. می‌‌رفتند افق را می‌‌دیدند. شب‌های مهتاب از کجا بفهمند سپیده صبح شده؟ باید صبر کنند تا هوا تغییر پیدا کند. امام هم فرموده صبر کن تا احراز کنی صبح شده. روایت علی بن مهزیار بر فرض سهل بن زیادش مشکل نداشته باشد به نظر ما دلالتی نمی‌کند بر نظر امام وفاقا للمحقق الهمدانی.

ما هستیم و اطلاقات. اطلاق کلوا و اشربوا حتی یتبین لکم الخیط الابیض.

[سؤال: ... جواب:] خیط ابیض به معنای رنگ سفید است نه نوار باریک. رنگ سفید بعد از بیست دقیقه در کل فضای شرق شکل می‌‌گیرد. کما این‌که رنگ سیاه به معنای نوار سیاه که نیست، ‌خیط ابیض هم یعنی رنگ سفید در افق. بله، ‌در لیالی مقمره رنگ سفید به شکل نوار نداریم ولی به شکل یک فضای عریض سفیدرنگ که غلبه دارد بر نور ماه بعد از بیست دقیقه پیدا می‌‌کنیم. ... عرض من این است که این روایت، کلی گفته وظیفه ظاهری این است که احراز کنی خیط ابیض را اما کی احراز می‌‌شود؟ الان احرازش آسان است بنابر قول مشهور. حالا خیط ابیض چیه؟ باید برویم سراغ اطلاقات. روایت سهل بن زیاد مطلب جدیدی نمی‌گوید و الا بله، راجع به اطلاقات باید بحث کنیم.

ما بعید نمی‌دانیم حق با مشهور باشد خلافا للمحقق الهمدانی و السید الامام.

توضیح بدهم:

ما معتقدیم...

[سؤال: ... جواب:] امام فرمود نماز نخوان تا احراز کنی. ... یک مقدار انصاف که شما دارید امام فرمود اظهر روایات هست در این‌که شب‌های مهتاب باید تاخیر بیندازید. شما فوقش بگویید نه ظهور در فرمایش امام ندارد ولی دیگه این‌که بگویید ظهور دارد در ابطال فرمایش امام نه، نه ما قبول نمی‌کنیم نه دوستان.

**اشکال به دلیل اول: تبین خیط ابیض و سایر عناوین مشابه، ظهور در تمیز دارند نه تشکل**

راجع به اطلاقات که کلوا و اشربوا حتی یتبین لکم الخیط الابیض، فصار کالقبطیة البیضاء، بیاض نهر سؤراء [هست] خب امام به آنها هم استشهاد کردند محقق همدانی هم به آنها استشهاد کردند گفتند بیست دقیقه صبر کنید تا بیاض نهر سؤراء‌ آشکار بشود. موجود بشود قبلش اصلا موجود نیست. می‌‌گوییم چرا، موجود است، متمیز نیست. فرق است بین عدم تمیز سپیدی صبح ناشی از خورشید و بین عدم تشکل آن. مثال بزنیم:

شما سیر زیادی خوردید، دهان‌تان خب بوی سیر می‌‌دهد، ‌رفقایتان هم می‌‌گویند این چه وضعیه؟ یکی به شما می‌‌گوید ببین بعد از این هر وقت سیر خوردی یک اسپری قوی سیر داریم هر جا رفتی این اسپری را بزن فضا همه سیری می‌‌شود، هیچکس احساس نمی‌کند بوی سیر دهان شما را. همه می‌‌گویند عجب فضای آلوده ای!! باید دولت تعطیل عمومی اعلام کند. اینجا وجود ندارد بوی سیر دهان شما؟ یا متمیز نیست از بوی سیر فضا؟ انصافا متمیز نیست و الا دهان شما بوی سیر می‌‌دهد.

مثال دوم: شما قبل از این‌که خون بریزید در این آب حوض، آمدید فضا را سرخ کردید، ‌یعنی یک نورافکن‌های قرمز رنگ گذاشتید، این فضا شد فضای معنوی، چند تا لاله هم آوردید آنجا همه چیز سرخ، بوی شهادت می‌‌دهد. خب اینجا این آب حوض رنگ سرخ گرفت یا نگرفت بر اثر خون؟ قطعا گرفت، منتها تمیز ندارد از رنگ سرخ فضا.

مثال سوم: شما فضا را متعفن با ماهی‌های مختلف در اطراف حوض قرار دادید به جوری که وارد این سالن که می‌‌شوید، هر کی که وارد می‌‌شود باید ماسک بزند و سریع هم خارج بشود چون اینقدر بوی تعفن شدید است و لکن یک مرده نجسی هم داخل حوض است او هم موجب تغیر بوی حوض شده.

مانحن‌فیه از این قبیل است. مانحن‌فیه خورشید تاثیر گذشته است در جو افق شرقی، منتها شما آمدید یک نور قوی انداختید در افق شرقی که آن نور ضعیف در مقابل این نور قوی متمیز نیست نه این‌که موجود نیست.

[سؤال: ... جواب:] مهم خیط اسود نیست عرفا. عرفا خیط اسود دخالت ندارد در طلوع فجر. آن‌که دخالت دارد در طلوع فجر خیط ابیض است که خورشید نزدیک بشود شانزده درجه یا حالا ما طبق آن جامعه اسلامی کذا گفتیم پانزده درجه، حالا شانزده یا پانزده درجه نزدیک بشود به افق شرقی به جوری که نور خورشید در فضا بتابد، ‌نور خورشید در فضا می‌‌تابد و لکن نور قوی تمیز آن نور ضعیف را در افق شرقی از بین می‌‌برد نه تشکل آن را.

ما نمی‌گوییم، دقت کنید! ما نمی‌گوییم در مقابل محقق همدانی و مرحوم امام که تشکل خیط ابیض علامت رسیدن خورشید است به شانزده درجه افق تا بعد محقق همدانی و امام بفرمایند این خلاف ظاهر است، حمل خیط ابیض بر علامیت به درجه قرب خورشید به افق، خلاف ظاهر است‌، ظاهر این است که موضوعیت دارد. آن وقت مطلب هم منطقی است. و لکن عرف می‌‌گوید موضوعیت برای واقع سپیدی است و لو مقهور نور قوی ماه باشد.

قرینه عرفیه‌اش هم این است که عرف می‌‌گوید خورشید دارد نزدیک می‌‌شود به افق و این سپیدی صبح تاثیر نزدیکی خورشید است. نمی‌خواهم بگویم علامیت دارد سپیدی صبح برای اقتراب خورشید تا اشکال کنید. می‌‌خواهم بگویم تاثیر می‌‌گذارد نکته اقتراب خورشید به افق و تاثیر این اقتراب در افق شرقی که در شب‌های مهتاب هم عرف بگوید بابا! آن تاثیر [را] خورشید دارد در افق شرقی آخه چه کار کنیم این ماه بالای سر ایستاده و چنان نور قوی می‌‌تابد که ما تمییز نمی‌دهیم نور خورشید را از این نور قوی.

[سؤال: ... جواب:] پس بوی سیر دهان آن شخص که هر کجا می‌‌رود قبل از این‌که سیر بخورد آن روز را پر کرد آن فضا را از اسپری سیر، ‌از شب قبل هر کی وارد آنجا بشود اصلا مثل مواد مخدر منگ می‌‌شود، بعد هم می‌‌گویند حالا سیر بخوریم هیچ کس نمی‌فهمد، هیچکس نمی‌فهمد قبول، ولی نه این‌که بوی سیر ندارد دهان این شخص.

**منشأ تفاوت شب‌های مهتابی با روز که نور ماه دیده نمی‌شود، نظر عرف است**

[سؤال: ... جواب:] ببینید!‌ در مثال ضوء القمر که ما تایید نظر امام و محقق همدانی مثال می‌‌زدیم می‌‌گفتیم که در روز نمی‌گویند تبین ضوء القمر با این‌که قمر در افق هست در برخی از شب‌های ماه، از روز حتی از همین موقع‌ها ماه هست ولی دیده نمی‌شود بخاطر غلبه ضوء شمس، خب بگویند تبین لک ضوء القمر نمی‌گویند، ما این را قبول داریم. و لکن عرفا در روز اصلا ضوء ندارد قمر، عرف می‌‌گوید نور ندارد ماه ولی خورشید هم نور ندارد؟ این عرفی است؟‌ خورشید که نزدیک افق می‌‌شود نورش در افق شرقی منعکس نمی‌شود؟ این عرفی نیست. منعکس می‌‌شود و لکن چه کنیم که نور قوی ماه انعکاس نور خورشید را در افق شرقی به ما منعکس نمی‌کند. به ما منعکس نمی‌کند و الا انعکاس دارد نور خورشید در افق شرقی. متمیز نیست چون نور قوی ماه افق شرقی را روشن کرد ولی مانع از این نیست که خورشید هم در افق شرقی منعکس شده است و مقداری از نور را عرفا ایجاد کرده و انما استتر عنا بخاطر غلبه ضوء قمر.

**تشبیه ما‌نحن‌فیه به بحث تغیر تقدیری آب، مع الفارق است**

حالا راجع به آن بحث تغیر تقدیری هم درست است که محقق همدانی مثال زد گفت آن رنگ سرخ که در آب ریختیم مانع از استناد تغیر است به آن خون که بعدا می‌‌ریزیم ولی این درست نیست آنجا هم درست نیست. عرفا آنجا تغیر، تقدیری نیست. این خون وصف این آب را تغییر داد عرفا و آب قاهر نیست، ‌غالب نیست بر این خون. شاهدش این است که آن حوض بغلی که رنگ قرمز در او نریخته بودیم چنان از رنگ خون که کمتر از این مقدار خونی است که در این حوض اول ریختیم متاثر شد که رنگ سرخش کاملا دیده می‌‌شود. عرف می‌‌گوید که بابا! خون در این حوض اول هم رنگ این آب را قرمز کرده منتها قرمزی این رنگ پاک مانع از دید است و لذا در آنجا هم ما معتقدیم به تغیر فعلی.

ولی بر فرض آنجا قائل نشویم تشبیه مقام به آنجا مع الفارق است. باید تشبیه کنیم به آنجایی که فضا را سرخ کردیم به نورافکن‌های سرخ‌رنگ. عینک قرمز دادیم به افراد، همه می‌آیند اینجا می‌‌گویند همه چیز سرخ است، ‌این آب هم سرخ است، این آب سفید زلال هم سرخ است. دیگه خبر ندارند که این آب سرخ شده بخاطر انداختن خون در آن. مانحن‌فیه تقریبا شبیه این مثال است.

و لذا لایبعد که در لیالی مقمره فرقی با لیالی غیر مقمره نباشد و ان کان الاحتیاط لاینبغی ترکه.

ان‌شاءالله بقیه مسائل جلسه بعد.